

تحلیل جغرافیایی از نظریه‌های اجتماعی روابط متقابل شهر و روستا در ایران

دکتر احمد مجتهدی

دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان

چکیده

بررسی و تحقیق درباره روابط متقابل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی شهر و روستا در ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا ساختمان خویشاوندی و گروه‌های فAMILI و میراث فرهنگی مهمترین عواملی هستند که وحدت اجتماعی را در کشور به وجود می‌آورند و از آهنگ قطب‌گرایی و جدایی طلبی و استقلال طلبی و خودمختاری در بین اقوام مختلف جامعه ایران جلوگیری می‌کنند. بنابراین توسعه روابط متقابل شهر و روستا در ابعاد مختلف دگرگونی‌های مهمی را در اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور به وجود می‌آورد و باعث تکامل اجتماعی و وحدت در جامعه ایران می‌گردد.

مقدمه

در ایران شهرها با سابقه تاریخی بسیار طولانی و با سازمان پیچیده اجتماعی که سومین عنصر و رکن اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد از روابط متقابل اقتصادی،

اجتماعی، جوامع عشایری و جوامع روستایی وجود یافته و تکامل پیدا کرده است. از خصوصیات زندگانی انسان در محیط جغرافیایی ایران این است که تکوین زندگانی یکجانشینی به عمر زندگانی کوچ نشینی خاتمه نداد، و هر دو در معاونت با یکدیگر دوام و استمرار یافتند. بنابراین وجود منابع آبی ثابت موجب تکوین زندگانی یکجانشینی و وجود تنوع شدید اقلیم موجب تکوین زندگانی کوچ نشینی در کشور گردید.^(۱) حرکت، نخست تجارت و داد و ستد را بین کوچ نشینان و یکجانشینان به وجود آورد. سپس مراکز یکجانشین را در رابطه با هم قرار داد و نطفه اقتصاد شهری بسته شد و شهر مرکز تجمع جمعیت و قدرت اداری و سیاسی کشور گردید. هنوز هم شهر ایرانی میراث جامعه و تمدن روستایی را در وجود خود نگاه داشته است. بدین ترتیب شهرها و شهرنشینی در ایران از بطن روستاها به وجود آمدند.

در شهرهای قدیمی، بازار شهر که هم مرکز اقتصادی شهر بود و هم مرکز اجتماعی و سیاسی و در ایجاد طبقات اجتماعی و در اداره کردن و چرخاندن شهر نقش اساسی داشت همواره در کنار میدان مرکزی و قدیمی شهر ساخته شده است و در اطراف بازار بتدریج خانه‌ها و سکونتگاههای طبقات مختلف اجتماعی، پدیده‌ای که در روستاها ناشناخته بود شکل گرفتند.

انسان‌شناسان که گروه‌های مختلف قومی و نژادی را در ایران مطالعه کرده‌اند، خاطر نشان می‌سازند که شهر و روستا و حتی طایفه و ایل در تکامل بخشیدن و ارتباط دادن مردم ایران نقش بسیار حساس دارند.^(۲)

نظریه‌ها و تحلیلها :

پیتر ریور^(۳) که درباره جوامع روستایی ایران مطالعه و تحقیق کرده است معتقد است که ساختمان اجتماعی جوامع روستایی و چگونگی روابط اجتماعی در روستا از ساختمان جوامع شهری متفاوت است و هر کدام قطب اجتماعی جداگانه‌ای را در کشور تشکیل می‌دهند.

ردفیلد معتقد است جامعه ایران با انزوای گروهی کمتر و یکپارچگی و وحدت

بیشتر و با فرهنگ عالی‌تر تعریف و شناخته می‌شود. راههای زندگی در جامعه ایران به هماهنگی و یکنواختگی و اتحاد و وحدت ختم می‌شود. روابط اجتماعی در شهر و روستا مبتنی بر سنت و فرهنگ ایرانی است. زیرا شهر و روستا توأماً مقام و منزلت خود را در زندگانی ملی حفظ کرده همواره کانون تمدن باقی مانده‌اند. هیچ قانون و هیچ نوع عادت‌ی وجود ندارد که مانع پیشرفت‌های فرهنگی و معنوی در جامعه شهری و روستایی شود. ساختمان خویشاوندی و گروه‌های فامیلی و میراث فرهنگی مهمترین عواملی هستند که وحدت اجتماعی را در شهر و روستا فراهم آورده‌اند با این تفاوت که در روستا معنویات بر مادیات بیشتر غلبه دارد، اقتصاد بیشتر فردی است تا بازاری و جامعه روستایی نسبت به جامعه شهری کمتر تحت تاثیر و نفوذ فرهنگ غربی قرار گرفته است. این نوع تفاوت‌ها به محقق امکان می‌دهد و جوه تمایز جامعه شهری را از جامعه روستایی تشخیص دهد و آن را در قطب جداگانه‌ای قرار دهد.

ردفیلد خاطر نشان می‌سازد بدون شک گرایش به طرف قطب‌گرایی و جدایی‌طلبی همراه با عدم هماهنگی و یکنواختی و سازمان یافتگی، حس استقلال‌طلبی و خودمختاری را در اقوام مختلف جامعه ایران زیادتر می‌کند و ضرر جبران ناپذیری بر پیکر جامعه وارد می‌سازد.^(۴)

جوامع روستایی در ایران در اثر تماس با مردم شهر و ایجاد روابط سیستماتیک با مردم شهر دچار نوعی بی‌نظمی در زندگانی اجتماعی می‌شوند که بیشتر ناشی از توسعه اقتصاد بازاری در روستاها است. این نوع بی‌نظمی‌ها بر روی روابط اجتماعی و ساختمان خانواده اثر می‌گذارد و بی‌نظمی در سازمان روستایی به وجود می‌آورد.

زمانی که مردم روستایی به صورت ناگهانی با ساختمان اجتماعی شهر برخورد می‌کنند به تدریج تحت تاثیر فرهنگ شهری قرار می‌گیرند. بنابراین در اثر برنامه‌های آموزشی که در مراکز روستایی اجرا می‌شود و جاده‌های جدیدی که این مراکز را با شهر پیوند می‌دهد زندگانی روستایی شکل زندگانی شهر را به خود می‌گیرد. سیستم پولی در روستاها توسعه می‌یابد و روستاها از اقتصاد بسته خارج می‌شوند. بدیهی است که در اثر این‌گونه تماسها روستاییان با نیازهای جدید اقتصادی و اجتماعی روبرو می‌شوند، تقاضا

برای مصرف زیادتر می‌گردد و بتدریج سنن و رسوم و خصوصیات و ارزشهای اجتماعی خود را از دست می‌دهند و روستاییان از سنتهای قدیمی خود رویگردان می‌شوند. بدین ترتیب در مرحله اول سیل مهاجرت از حومه شهرها و سپس از روستاها به شهرها به خاطر کاهش باروری اراضی و کمبود عایدات کشاورزی و فقدان امنیت مالی و سیاسی در روستاها شروع می‌شود.^(۵) و چون در این مرحله هیچگونه برنامه اقتصادی و اجتماعی برای تازه واردین در شهرها ریخته نشده است، فرهنگ شهر نشینی در شهرها پایین می‌آید و شهرنشینی را همراه با مشکلات می‌سازد.^(۶) همچنین کوچ‌نشینان که در زندگی عشایری از نظر سیاسی تابع رئیس خود ایل هستند که وظیفه جلوگیری از متلاشی شدن ایل و جدا شدن افراد از یکدیگر را دارد، در اثر نفوذ زندگانی شهری از روحیه خود دور می‌شوند، چادر و مرتع را که مترادف زندگانی کوچ نشینی و رمه گردانی است رها می‌سازند و عازم شهرها می‌شوند. بدین ترتیب شهرنشینی با مشکل‌های اقتصادی روبرو می‌شوند، زیرا روستا از شرایط اصلی شهرنشینی و تامین کننده مواد غذایی است.^(۷) اقتصاد شهرهای کوچک نیز مانند شهرهای بزرگ با میزان توسعه کشاورزی ناحیه ارتباط دارد^(۸) "مایر" معتقد است وجود طبقات مختلف در شهرها و گسترده بودن جامعه و عدم یکنواختی و هماهنگی، نتایجش فردگرایی و مادی‌گرایی و بی‌نظمی در جامعه شهری خواهد بود^(۹) ردفیلد جامعه ایران را به سه نوع جامعه عشایری، روستایی و شهری تقسیم می‌کند، جامعه شهری را عامل عمده تغییرات اجتماعی در ایران می‌داند زیرا شهرها همواره در معرض تغییرات و انقلابات زمان خود بوده‌اند.

لویس* معتقد است که تنها مراکز شهری نیستند که تغییرات اجتماعی را در ایران سبب می‌شوند بلکه عوامل دیگر اجتماعی بیرونی در این امر مهم بسیار دخالت دارند. به نظر او تقسیم کردن ایران به دو جامعه عمده شهری و روستایی که یک سیستم

ارزش کاری است صحیح به نظر نمی‌رسد. این عقیده همان عقیده قدیمی راسه‌آن* است که انسانهای اولیه رانج‌بای وحشی می‌داند. او معتقد است که فن‌آوری از ارزش انسانها می‌کاهد و آنها را از ارزش‌های انسانی تهی می‌سازد و نتیجه می‌گیرد که نیروهای شهری جوامع غیر متحد می‌سازد در حالیکه جامعه روستایی نیروهای متحد به وجود می‌آورد.

بنابراین بسیاری از تغییرات اجتماعی که در روستاهای ایران صورت می‌پذیرد ناشی از روابط اقتصادی، اجتماعی و اداری شهر و روستا می‌باشد. در روستاها، مدیریت، خرید و فروش، خدمات اجتماعی، مالکیت، سنتها، فرهنگ، با ایده‌های جدیدی که از شهرها به نواحی روستایی صادر می‌شود در هم آمیخته است. به عبارت دیگر تمام نظریه‌های جدید پایه تفکر شهری دارند، از این جهت شهرها منبع اصلی تغییرات اجتماعی در روستاها هستند و اثر شهرها بر روی تغییرات اجتماعی خیلی بیشتر از تغییرات درونی است که در جامعه روستایی صورت می‌پذیرد. اینک این سؤال مطرح می‌شود که مکانیسم آداب و رسوم چگونه عمل می‌کند و چه اثری بر روی تفکرات اجتماعی جامعه دارد.

ردفیلد می‌نویسد در تمدنی که سنتهای بی‌ارزش اجتماعی انعکاس کمتری بر روی جامعه دارد افکار و تفکرات و اندیشه فلسفی نو از طرف مردم هوشیار جامعه تولید می‌شود و به آسانی در بین افراد جامعه منتشر می‌شود و افراد جامعه، به راحتی اندیشه‌های نو را می‌پذیرند و برخلاف آن، اندیشه‌های نو در بین مردم جوامعی که اسیر و پایبند سنتهای تهی از ارزش هستند به سختی گسترش می‌یابد و مورد پذیرش واقع می‌گردد. (۱۰)

به عقیده پیت ریور** در گذشته جامعه دهقانی در ایران جامعه جدا شده محسوب می‌گردید. لازمست اثرات متقابل روابط اقتصادی، اجتماعی و اداری شهر و روستا به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد. مسلم است هر اندازه که روابط متقابل

بین شهر و روستا بیشتر شود تسلط حکومت مرکزی برکل جامعه کشور افزون تر خواهد شد. بدین معنی که در نتیجه روابط متقابل، سطح تکنولوژی و فرهنگ و خدمات در روستا توسعه می یابد و بر جمعیت روستایی افزوده می شود و دخالت دولت در امور جوامع محلی بیشتر می گردد. از نفوذ ریش سفیدان در محل کاسته می شود و سازمانهای اجتماعی توسعه می یابد. بازوی دولت در اجرای قوانین قوی تر می شود و دولت در حل مسائل اجتماعی توفیق نسبی به دست می آورد. زیرا بدون یاری رساندن ریش سفیدان و معتمدین محل و فقدان حاکمیت آداب و رسوم، سازمانهای دولتی به تنهایی نمی توانند خواسته های جامعه را برآورده کنند و مسائل و مشکلات مردم را حل و فصل نمایند.

در ایران، آگاهی مردم از روستایی به روستای دیگر از هم متفاوت است. بدین معنی که مردم روستاهایی که دورتر از شهرها قرار گرفته اند آگاهی کمتری نسبت به مسائل جامعه روستایی در کشور دارند، اما در روستا شهرها در اثر ارتباط، این آگاهی بیشتر است. بنابراین در روستا شهرها عبور از جامعه خود مختار و گرایش به طرف جامعه تعاونی و جمع شدن در داخل قدرت حکومت مرکزی آسانتر صورت می گیرد و قدرت استحکام یافته مالکیت در اثر افزایش ثروت، زودتر در طول زمان ضعیف می گردد. با افزایش جمعیت شهرها، نیازمندی مردم شهرنشین به محصولات کشاورزی روستاییان مخصوصاً در نواحی که شبکه ارتباطی رو به توسعه است روز به روز بیشتر می شود و محصولات کشاورزی خیلی سریع تبدیل به پول نقد می گردد و بنیه مالی روستاییان قوی تر می شود. در کنار آن آهنگ مهاجرت روستاییان فقیر و کم درآمد به خاطر پیدا کردن کار و زندگانی بهتر به شهرهای بزرگ تندتر می شود مثلاً جمعیت شهر تهران بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ به چهار برابر افزایش یافته است. در سال ۱۳۴۰ لرنر* اظهار داشت که مهاجرت به شهرها در ایران نتیجه زندگانی زاغه نشینی، بیکاری، کم درآمدی، بدبختی و عدم ثبات سیاسی کشور است. (۱۱)

معمولاً پیامد کوچک سازی مالکیت های بزرگ، پدیدار شدن طبقه خرده مالک در

جامعه جدید است. بدون شک جامعه جدید خواستار دولت جدید خواهد بود. در جامعه جدید روابط اجتماعی و مسؤولیت فرد در برابر دولت از طریق موازن قانون خواهد بود چنین فردی از یک طرف به جامعه ملی و از طرف دیگر به جامعه محلی تعلق خواهد داشت و جامعه محلی بیشتر دولتی خواهد بود تا محلی. اما مسأله مهم در جامعه جدید این است که دولت نمی‌تواند روابطی همانند روابط اجتماعی و خانوادگی که روستاییان با یکدیگر دارند با آنها برقرار نماید. بنابراین دولت درصدد خواهد بود که سیستم جریان آزاد پول، داد و ستد، قوانین مربوط به اشتغال، کارگر و سرمایه‌گذاری را جانشین آداب و سنن و رسومات اجتماعی کند و سیستم ملی و سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدید را به وجود آورد.

از طرف دیگر به وجود آوردن هماهنگی و موازنه در مالکیت‌های خرد شده نشان دهنده یک نوع Egalitarianism^(۱۲) مخصوصاً از نظر مسائل اجتماعی می‌باشد. بدین معنی که در دفعه اول خرد کردن مالکیت می‌تواند دیر یا زود نابرابریهای اقتصادی را افزایش دهد، اما در مقابل، یک سیستم حمایت‌کننده را که بر پایه قدرت اقتصادی بنیان نهاده شده است می‌سازد. در داخل این سیستم جدید که روشش با روش اداری جامعه موروثی کاملاً مغایر است، ممکن است جامعه محلی کاملاً تحت کنترل درآید. در این سیستم مالکیت فردی از ورود اشکال دیگر مالکیت جلوگیری و بعداً به صورت یک مرکز سیاسی و اقتصادی ظاهر می‌شود. مصداق واقعی آن جامعه امروزی ایران است. بدین معنی که از یک طرف آشنایی کوچ‌نشینان و روستاییان با سیستم پولی شهری، یکپارچگی و استقلال اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی را از بین می‌برد و از طرف دیگر اقتصاد تهاتری یا کالا به کالا را که با فروش مقدار کمی از محصولات سردرختی همراه است به اقتصاد پولی تبدیل می‌کند به عبارت دیگر اقتصاد بسته روستایی به اقتصاد باز تبدیل می‌شود. در حقیقت روستاییان به جای این که محصولات مصرفی خود را تولید کنند به تولید محصولات که مورد نیاز شهرنشینها است، می‌پردازند. در نتیجه معاملات سنتی کنار گذاشته می‌شود و خرید و فروش‌ها افزایش می‌یابد و به دنبال آن سفته و چک معاملات به کار گرفته می‌شود و روستایی روحیه بازاری و سوداگری پیدا می‌کند.

در ایران غالب روستاهای متمرکز در اطراف بیابانهای بزرگ تکوین یافته‌اند در حالی که روستاهای پراکنده در داخل فلات مرکزی قرار گرفته‌اند^(۱۳) در روستاهایی که منزوی هستند راههای ارتباطی بسیار ضعیف است و مردم این قبیل روستاها در دایره زندگی روزمره گرفتار می‌شوند و مانند کشاورزان پیش از تاریخ با ابزارهای باستانی محصولات سنتی خود را می‌کارند و از زمین بهره برداری می‌نمایند و از تکنیک‌ها و اطلاعات جدید کشاورزی بی‌خبرند و فاصله زیادی با پیشرفتهای جهانی کشاورزی دارند. البته هیچ شکی نیست که تغییراتی در جامعه روستایی ایران اتفاق افتاده که منشأ این تغییرات از گروههایی نشأت می‌گیرد که برای پیشرفت جامعه ملی ایران تلاش می‌کنند و مسائل روستایی مورد توجه آنان است. در روستاهای دور دست، روستایی از جامعه و کشور خود بی‌اطلاع است و بعضاً اطلاعات را از طریق فرزندان و یا از طریق سوداگران محلی به دست می‌آورد. بنابراین در اینگونه روستاها توجه روستاییان به مسائل اجتماعی بسیار کم است و آرزو می‌کند که وضع زندگی موجود در جهت بهتر شدن عوض شود. ادعا می‌کند که این نوع آرزوها نشانه‌هایی از اضطرابها و آشفتگیها است، و از نوعی انقلاب افراطی خبر می‌دهد. اجرای برنامه‌های اقتصادی از طرف دولت بر روی گروه زیادی از آشفتگیها اثر گذاشته و اضطرابهای ملی را تا اندازه‌ای بهبود بخشیده است. تعدادی از مردم شهری در خرید و فروش و بازرگانی و گروهی در صنعت و خدمات اداری و تعدادی نیز در مشاغل تخصصی مانند پزشکی مشغول کار هستند. اما علی‌رغم آن تربیت نیروی انسانی متخصص از مشکلات عمده صنایع در کشور است.

در مراکز شهری تواناییهای اقتصادی، مردم را از هم جدا می‌کند. بدین معنی که جامعه شهری از یک طبقه بسیار محدود و کم جمعیت اما ثروتمند و از یک طبقه بسیار پرجمعیت اما فقیر تشکیل یافته است. در کنار طبقه ثروتمند و فقیر، طبقه متوسط نیز در حال شکل گرفتن است. طبقه ثروتمند به این دلیل ثروتمند شده است که دستش در جیب مردم فقیر یک کشور در حال توسعه است و سیاست اداری کشور نیز چون بر پایه اصول و عقاید و نظریات اکثر مردم جامعه پی ریزی نمی‌شود، جوابگوی خواسته‌های آن طبقه و نیازمندیهای طبقه فقیر و نظریات آنها نمی‌باشد، و نمی‌تواند مسائل و مشکلات

طبقه فقیر را حل نماید. وجود جامعه طبقاتی موجب تداوم انتقال مازاد تولید از روستا به شهر می‌شود. ^(۱۴) برعکس نیازمندیهای طبقه مرفع را بهتر می‌تواند جوابگو باشد و مشکلات آنها را برطرف نماید. زیرا بیشتر تصمیم‌گیریه‌ها غالباً به عهده طبقه مرفه جامعه است. به همین دلیل ایران مرکز جنبش‌ها و نهضت‌های ملی آزادی طلب در خاورمیانه است. در طول دوره‌های متناوب تاریخی نقش نیروهای نظامی در سرکوبی حرکت‌ها و جنبش‌های ملی کشور بسیار مهم بوده است، اما در مراکز روستایی سازمان اجتماعی بر پایه خویشاوندی قرار گرفته است. بیشتر خانواده‌ها به صورت گسترده شغل اجدادی خود را دنبال می‌کنند. تعداد مشاغل محدود است و فاصله فضایی چندان اهمیتی ندارد. غالباً در ایران روستاییان به شهرهای بزرگ و یا شهرهایی که طبقه متوسط در آن تشکیل شده مهاجرت می‌کنند، اینگونه مهاجران با ناراحتی‌های اجتماعی که غالباً شبیه هم است وارد شهرها می‌شوند و در شهر نیز با مشکلاتی روبرو می‌گردند. زیرا در شهرهای بزرگ سازمان‌های اجتماعی نمی‌توانند امنیت اجتماعی را در روابط اجتماعی برای روستاییان تأمین نمایند. مثلاً مردم روستا اوقات فراغت خود را با هم می‌گذرانند، در مراسم و عبادات مذهبی با هم هستند و اصول اجتماعی کاملاً شناخته شده‌ای دارند که از دوران کودکی با آن آشنا هستند، و بچه‌هایشان در مدارس روابط اجتماعی بسیار نزدیکی با هم دارند.

در جامعه شهری مردم با این نوع ارزش‌های اجتماعی تا اندازه‌ای نا آشنا هستند. به عبارت ساده‌تر عبور از زندگی روستایی و ورود به زندگی شهری مستلزم از دست دادن و شکستن سازمان استحکام یافته روستایی است. مراکز شهری موجب بی‌نامی و کم‌نامی می‌شوند. مخاطره، بیم و اضطراب را تولید می‌کنند. بدین ترتیب جوامع کوچک روستایی در شهرهای بزرگ با فرصت‌های جدید اجتماعی روبرو می‌شوند و از جوامع روستایی فاصله می‌گیرند، به امید آنکه در آینده وضع بهتری پیدا خواهند کرد و حداقل امکانات برای آنها فراهم خواهد گردید. بنابراین با مردم شهر یکپارچه نمی‌شوند و ترجیح می‌دهند در حاشیه شهرها زندگی نمایند. در ایران زمانی وحدت ملی پیدا خواهد شود که اقشار مختلف مردم شهر و روستانشین و کوچ نشین با هم جامعه‌ای

واحد را تشکیل دهند.^(۱۵) در جامعه ملی افراد اجتماع از هم جدا نمی‌شوند و فشارهای اجتماعی طبقات را از هم منزوی نمی‌کند و افراد جامعه همبستگی و وحدت خود را حفظ می‌نمایند. البته از گذشته مذهب مهمترین عامل زمینه ساز تشکیل وحدت در کشور بوده است. مذهب شیعه بر محیط و ادبیات و فرهنگ، منش و آداب و سنن مردم ایران وحدت و یکپارچگی می‌بخشد، و این یکپارچگی زمانی کامل خواهد شد که تفاوت‌های زندگانی شهری و روستایی کاملاً از میان برداشته شود و فشار اجتماعی، جامعه روستایی را در شهرها تکان ندهد.

بنت* اظهار می‌دارد، دین اسلام بر این عقیده است که یک جامعه اسلامی موقعی به شکوفایی اقتصادی و زندگانی مطلوب می‌رسد که مردم آن شهرنشین شوند.

اگر این عقیده را ما بپذیریم مهاجرین علاوه بر از آنکه در شهرها خسران و ضرر نمی‌بینند، بلکه امتیازاتی نیز به دست می‌آورند. بنت معتقد است که شهر برای مهاجرین روستایی چون نازبالش است، زیرا روستاییان آرامش خود را در آن باز می‌یابند. غالباً قسمتهایی از شهر که زندگانی روستایی در آن شکل گرفته و با سنن و رسوم روستایی هم آهنگی پیدا کرده است مورد هجوم جوامع روستایی قرار گیرد.

بنابراین در قسمتهایی از شهر نوع خاصی از زندگی به نام زندگانی همسایگی که مخصوص تازه واردان به حومه شهر است به وجود می‌آید که با زندگانی مردم در بقیه نقاط شهر فرق دارد. ساکنان قدیمی شهر در ابتدا ممکن است تازه واردان را به راحتی نپذیرند. در مقابل، تازه واردان نیز ممکن است در مقابل ساکنان قدیمی شهر در رقابت برخیزند و سازمانهای جدید اجتماعی همانند سازمانهای قدیمی مردم شهر به وجود آورند و شهرنشین شوند. در هر صورت در ایران هنوز کاملاً روشن نیست که آیا مهاجران در هنگام عبور از زندگانی روستایی به زندگانی شهری بر روی نهادهای اساسی شهری و روابط اجتماعی تاثیر شکننده‌ای دارند یا نه. برای روشن شدن مسأله لازم است تحقیقات جدیدی از طرف محققان انجام پذیرد. مذهب شیعه در طول زمان یکپارچگی

خود را در کشور حفظ کرده است و کمتر تحت تاثیر آراء و اعتقادات و ادیان دیگر قرار گرفته است. با بجا آوردن دستورات مذهبی مانند اقامه نماز، گرفتن روزه، بر پا کردن عباد و مراسم تدفین، ایمان و اعتقادات مردم به مذهب شیعه بیشتر می‌شود و محکم می‌گردد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. زندگانی انسان تابع اراده خداست، هیچ اتفاقی حادث نمی‌شود مگر با خواست خدا، ایستادن در برابر ایزد متعال و برگزاری نماز، این احساس را در انسان به وجود می‌آورد که با دیگر برادران مذهبی خود برابر و مستقل است. به عبارت دیگر مسلمانان در پیشگاه خداوند با هم برابرند آنهایی به خداوند نزدیک‌ترند که متقی‌ترند^(۱۶) به نظر اسپونر*^(۱۷) نیاز انسان به جامعه سبب می‌شود که انسان به جامعه خود وابسته شود و در نتیجه زندگانی اجتماعی به وجود آید. بنابراین انسان در برابر خداوند احساس برابری مذهبی و اجتماعی می‌کند و در برابر حکومت، احساس برابری سیاسی می‌نماید. در شهرها انسانها می‌توانند گروه‌های مختلف مخصوصاً گروه‌های غرب زده که گرایش به فرهنگ غربی دارند و گروه‌های سنت‌گرا که معتقدند در اثر نفوذ و توسعه مفاصد زندگانی جدید صنعتی ویژگیهای جامعه سنتی از بین خواهد رفت، مشاهده نمایند. در این مورد تهران بهترین نمونه است، زیرا شهر از لحاظ اجتماعی به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. در بخش شمالی تهران بیشتر خانواده‌های متجدد و در بخش جنوبی آن خانواده‌های سنت‌گرا مسکن گزیده‌اند. این نوع تقسیم بندی اختلافات طبقاتی ایجاد می‌کند در شهرهای کاملاً صنعتی مانند آبادان ویژگیهای طبقاتی کمتر است زیرا در این شهر تمرکز صنایع، شرکتهای تعاونی و نهادهای اجتماعی مختلف همکاری و همیاری بین طبقات مختلف اجتماعی را زیادتر می‌کند و طبقات اجتماعی را به هم نزدیکتر می‌کند. در حالیکه شهر تهران با تجارت و سیاست شناخته می‌شود.

از نظر جمعیت، ایران از سه گروه جمعیتی عشایری، روستایی، شهری تشکیل شده است. برای درک بهتر جامعه‌شناسی ایران می‌بایست مکانیسمی که این سه گروه

جمعیتی را به صورت واحد تحت یک حکومت واحد در می آورد مورد مطالعه قرار داد. فرای* تاریخ طولانی ایران را مطالعه کرده و به خود مختاریها و تجزیه طلبیها اشاره می کند و اظهار می دارد، رمز موفقیت و یکپارچگی ایران در فرهنگ ایرانی نهفته است زیرا فرهنگ ایرانی باعث شده است که مردم ایران بر مشکلات و مسائل ناشی از محیط جغرافیایی غلبه کند و سرزمین ایران و جامعه ایران را در جهت وحدت و همیاری با حکومت مرکزی قوی در داخل مرزهای خود هدایت کنند. در نتیجه همانطور که ویلبر** اظهار می دارد، در طول تاریخ این سرزمین هیچکدام از اقوام ایرانی مانند کردها و یا آذریها به هیچ وجه در صدد بر نیامده اند که خودشان را از کشور جدا کنند. مردم شیعه مذهب آذری همیشه در کنار هم کیشان خود در فارس و یا در نواحی دیگر به خاطر حفظ مرزهای کشور و وحدت ملی جنگیده اند و از فرهنگ ایرانی دفاع کرده اند و همیشه در جهت وحدت جامعه ایران حرکت کرده اند. در حالیکه کردهای عراق و ترکیه جدایی طلب بوده و از ترک های سنی مذهب آناتولی دوری جستند.^(۱۸) همچنین است در مورد شهرها، زیرا جمعیت بعضی از شهرها از گروه هایی تشکیل می شوند که ارتباط و ریشه مکانی با همدیگر ندارند و هر گروه در داخل خود، تقریباً از نظر فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی مستقل عمل می کند. معهدا اختلافات قومی تاثیر بر روی وحدت ملی نمی گذارد و هر کدام از واحدهای اجتماعی در داخل شهرها روابط سیستماتیک با یکدیگر دارند، به همین ترتیب جامعه عشایری در کنار جامعه روستایی و جامعه روستایی در کنار جامعه شهری زندگی می کند، و این چنین روابط مشترک با هم بودن را نشان می دهد. عوامل فرهنگی مانند زبان، مذهب، نژاد، رسوم که روستاییان بدان وابسته اند و در شکل گیری جامعه روستایی نقش مهمی دارند و عوامل اداری نیز که تماس و روابط اجتماعی برای روستاییان فراهم می کنند از اهمیت خاصی برخوردار هستند و در توسعه جامعه روستایی نقش حیاتی دارند. اما مردم روستا بیشتر از عوامل فرهنگی تبعیت می کند تا از عوامل اداری و تعیین اینکه مکان اجتماعی بیشتر اهمیت دارد و یا

ساختمان وسیع اجتماعی کاری است بس مشکل. در ایران جوامع روستایی بیشتر تحت تاثیر پدیده‌های مدرن تمدن جدید مانند صنعت، شهرنشینی و گسترش اقتصاد پولی قرار می‌گیرند، سازمانهای دولتی مخصوصاً از نوع جدید این نوع اجتماعات کوچک را دائماً تحت تاثیر قرار می‌دهند و جوامع روستایی را به طرف یک پارچه شدن با جامعه شهر جلومی‌برند واضح است که یک پارچه شدن شهر و روستا ساختمان اجتماعی روستا را ضعیف می‌کند تحت چنین شرایط تاثیرگذاری و نفوذ، جامعه محلی کشاورزی کمتر استقلال اجتماعی خود را حفظ می‌کند و دیگر جامعه محلی قدرت نفوذ و کنترل اجتماعی را نخواهد داشت.

در ایران مانند دیگر نقاط خاورمیانه درک واقعیت‌های اجتماعی، با بررسی عوامل مختلف تشکیل دهنده اجتماعی و روابط داخلی و ساختمان اجتماعی که طبقات مختلف را در نواحی مختلف به هم متصل می‌سازند و تقسیمات فرعی طبقاتی را به وجود می‌آوردند، مشخص می‌شوند. در بین مکانیسم‌های اصلی و سازنده آن عوامل اقتصادی مذهبی از همه مهمتر است. زیرا اگر عوامل سیاسی و زبانی ضعیف شود عوامل مذهبی و اقتصادی می‌تواند وحدت اجتماعی جامعه را حفظ نماید. از این جهت است که از هم‌پاشیدگی دولت‌ها و بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت‌های ایرانی در وحدت ملی چندان تاثیری نگذاشته است.

در طول تاریخ گذشته، کشاورزان ایرانی نتوانسته‌اند از طریق تجارت خرید و فروش زندگانی خود را بهبود بخشند. زیرا زندگانی روستایی ایران دائماً در معرض بی‌عدالتیهای صاحبان زمین و مردم شهر قرار گرفته و روستاییان را با کمبود درآمد مالی روبرو ساخته است، از این جهت روستاییان مجبور شده‌اند برای گذراندن زندگانی روزمره و تامین هزینه روزانه، به کارهایی خارج از کارهای زراعت و کشاورزی مانند کارگری و یا سهم‌بری در روستاها دست بزنند و یا در مشاغل کاذب در شهرها جذب شوند. تحقیقات اوپلند* در دشت مغان نشان می‌دهد روستاییان به بعضی از اقلام اساسی

وارداتی از قبیل شکر، نمک، قند، چای، کالاهای خانگی و ابزارهای فلزی، محصولات نساجی که در روستا تهیه نمی‌شوند نیاز دارند و برای تهیه این نوع کالاها سالیانه مازاد محصولات کشاورزی خود را برای فروش به شهرها می‌فرستند. داد و ستد محصولات کشاورزی در روابط شهر و روستا نقش عمده دارد. بدین معنی که قسمتی از مردم شهرها از مبادله محصولات کشاورزی و تبدیل آنها به محصولات دیگر هزینه زندگانی خود را تامین می‌کنند.

در گذشته اختلافات اجتماعی حیات اقتصادی روستایی و شهری را فلج می‌کرد، مخصوصاً روستاییان را با مشکلات زندگی روبرو می‌ساخت و مانع توسعه و رونق کشاورزی در کشور می‌گردید و ابزار تولید را بدون تغییر برای سال آینده باقی می‌گذاشت. البته توسعه امنیت و توسعه تجارت و خرید و فروش بین مردم عشایری، روستایی، شهری تنها راه حل نهایی مسأله است. (۱۹)

بنابراین عامل اقتصادی از عوامل اصلی وحدت جامعه است و مهمترین مرکز این وحدت شهرها و قصبات هستند. زیرا در بازار شهرها و روستاها بازرگانان شهری و روستایی با هم ملاقات می‌کنند و با توسعه روابط، خرید و فروش و سوداگری گسترش می‌یابد. بازاریان شهری برای تهیه انواع محصولات کشاورزی عازم روستاها می‌شوند و از نقش سوداگران سیار در خرید و فروش کاسته می‌شود.

علاوه بر عامل اقتصادی، سیستم سیاسی نیز در وحدت بخشیدن به جامعه نقش عمده‌ای دارد. اهداف این سیستم عمدتاً تامین امنیت برای کشور تامین سرمایه، و سرمایه گذاری در شهرها است، نه افزایش تولید کشاورزی و پیشرفت زندگانی مردم روستایی. زیرا منشاء پیدایش سیستم‌های سیاسی در ایران از شهرها است، نه از مناطق روستایی.

دین محکم‌ترین و قوی‌ترین عامل سیاسی در وحدت بخشیدن جامعه در ایران است. رهبران دینی مورد احترام جامعه مسلمانان هستند. مسلمانان ضمن اطاعت از دستورات مذهبی و عمل به فرامین مذهبی به فقرا هم کمک می‌کنند تا به زندگانی خود سروسامان بخشند. از طرف دیگر دین اسلام از نظر اقتصادی بسیار محکم عمل می‌کند.

تقسیم مجدد ثروت از طریق ارث در جامعه اسلامی از تمرکز سرمایه و سرمایه داری جلوگیری می‌کند بنابراین نقش دین در وحدت آفرینی اجتماعی بالاتر از نقش ملی‌گرایی است. (۲۰)

شواهد تاریخی نشان می‌دهد دین عامل به وجود آورنده تشکیلات اجتماعی جامعه است. اختلافات، مسائل و مشکلات قومی که مانع وحدت جامعه است با اجرای قوانین و دستورات مذهبی به خوبی حل می‌شود. از طرف دیگر وظیفه بزرگ دین اسلام وحدت بخشیدن به زندگانی سیاسی پیروان خود تحت عنوان امت و جامعه اسلامی است درحقیقت امت و جامعه اسلامی یک کالبد واحد سیاسی است. وجود ادیان مختلف در ایران ناشی از آزاد بودن مذاهب و فعالیتهای مذهبی در جامعه ایران است. مذهب شیعه مذهب رسمی ایرانیان است و مهمترین عامل وحدت اجتماعی در جامعه ایران به شمار می‌رود. گرچه مذاهب شیعه و سنی هر دو از مذاهب بسیار مهم دین اسلام هستند، اما مذهب شیعه با ویژگیهای و دستوراتی که دارد، در وحدت بخشیدن به جامعه اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است.

اگر وضع روابط داخلی ساختمان اجتماعی بررسی شود کاملاً روشن خواهد شد که مسائل انسان‌شناسی در ایران از مکانیسم‌های اثر بخشنده اجتماعی پیدا می‌شود. و تفاوت‌های اجتماعی آن از مکانی به مکان دیگر فرق می‌کند، بیشتر این تفاوتها از نظر سنن و رسوم و آداب است. بدون شک اگر انزوای جغرافیایی وجود داشته باشد، جذب شدن یک واحد کوچک اجتماعی در یک واحد بزرگ اجتماعی مشکل تر خواهد شد. کاملاً روشن است که انزوای جغرافیایی جوامع عشایری، روستایی، شهری در ایران پیشرفت ساختمان اجتماعی و وحدت اجتماعی را مشکل تر و سخت تر می‌کند. بدون شک از تباط و روابط متقابل بین اجزا جوامع می‌تواند جامعه یکپارچه و مستقل در کشور به وجود آورد.

تغییرات اجتماعی در تمام جوامع اتفاق می‌افتد، تنها میزان تغییرات در جوامع مختلف از هم متفاوت است. فشارهای اجتماعی برای تغییر ممکن است در داخل سیستم خاصی انجام گیرد، اما اگر این فشارها در اثر برخورد طبقه جدید با طبقه قدیم به

وجود آید بدون شک تغییرات اجتماعی زیادتر خواهد شد. یک جامعه متشکل برای فرد تا حدودی حق آزادی انتخاب قائل است. شخص می تواند خواسته های خود را که از روح و روانش نشأت می گیرد در جامعه مطرح سازد. در جوامع متشکل هر چه زمان جلوتر می رود آزادیهای فردی در اثر پیشرفت تکنولوژی زیادتر می گردد. جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. در جامعه ایران حق انتخاب افراد در مقابل جامعه در حال تزاید و افزایش است. سرعت تغییرات اجتماعی و افزایش شعور سیاسی به اندازه ای زیادتر شده است که بسیاری از مسائل اجتماعی که که در گذشته مورد پذیرش جامعه نبود امروز مورد قبول جامعه است. شکل جدید اجتماعی ناشی از تحولات و پیشرفتهای اقتصادی است. این پیشرفتهای ممکن است در جهت افزایش ثروت و قدرت و عوامل دیگر اقتصادی باشد که قابل سنجش با معیارهای گذشته نمی باشد. در ایران نیز تغییرات اقتصادی همواره تغییرات اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. در ایران هر نوع عدم ثبات و تزلزل ذاتی جامعه روستایی ناشی از ساختمان بالاتر قدرت سیاسی است که تلاش می کند با عوامل اقتصادی و اجتماعی جامعه را وحدت بخشد.

ویژگیهای جدید اجتماعی که به رفتار افراد در جامعه و روابط آنها با یکدیگر مربوط می شود در تغییرات اجتماعی ظاهر می شود. این ویژگیها ممکن است در اثر تغییر یکی از فاکتورهای اجتماعی دوباره تغییر یابد. مسلم است اگر تکنولوژی در جامعه تغییر یابد رفتار اجتماعی نیز تغییر پیدا خواهد کرد و یا مهاجرین روستایی که با شکل جدید زندگی در شهرها برخورد می کنند و با آن آشنا می شوند ناگزیرند رفتار اجتماعی خود را تغییر دهند. زیرا جامعه جدیدی که مهاجر به آن وارد می شود ملاک های جدیدی خواهد داشت که باید خود را با آن سازش دهد. مثلاً بیشتر آداب و سنن و مقررات اجتماعی که در جامعه روستایی که مربوط به سیستم فئودالیسم است تغییر خواهد یافت. شکل و ضوابط خرید و فروش عوض خواهد شد و از نقش و دخالت خانواده در شکل گیری از دواج کاسته خواهد شد. در نتیجه در اثر تغییرات رفتار فردی ساختمان اجتماعی جامعه و آداب و رسوم نیز دگرگون می شود.

ردفیلد معتقد است یکی از ملاکهای بسیار مهم جهت تشخیص جوامع پیشرفته

و عقب مانده مصرف ابزار تکنولوژی در این گونه جوامع است. بدون شک معرفی تکنولوژی جدید در جوامع روستایی در بالابردن سطح زندگانی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی روستاییان نقش اساسی خواهد داشت. زیرا به کارگیری فن آوری‌ها و روش‌های جدید در کشاورزی باعث افزایش تولید و توسعه کشاورزی و به دست آوردن محصولات جدید می‌شود و کشاورزی سنتی را به کشاورزی صنعتی تبدیل می‌کند. بنابراین جامعه صنعتی غرب زمانی برای کشاورزی ایرانی سودمند خواهد شد که بتواند از علم و تکنولوژی جدید غرب بهره‌مند شود و مازاد بر مصرف داخلی تولید نماید،^(۲۱) و تنها به زمین وابسته نباشد. در غیر این صورت اثرات سوء فرهنگ غربی نصیب کشور می‌گردد. اما باز هم باید توجه داشت که حوادث بسیار زیاد اجتماعی بر جامعه روستایی ایران گذشته است.

برای درک بیشتر تغییرات اجتماعی روابط متقابل شهر و روستا بهتر است از نظریات و تحقیقات علمی دانشمندانی مانند دکتر مرس*، لینتون**، ردفیلد، هرزکویتز***، استفاده شود. این دانشمندان معتقدند که گروه‌های روستایی با آداب و رسوم متفاوت وارد شهر می‌شوند و در اثر تماس با مردم شهر تغییراتی در زیر بنای فرهنگی آنها به وجود می‌آید و تغییرات فرهنگی تغییرات درونی جامعه را سبب می‌شود فورتر**** عقیده دارد که تماس و ارتباطات فرهنگی بینش جوامع مختلف جهانی را افزایش می‌دهد و پیشرفت‌های اجتماعی را به وجود می‌آورد. وی معتقد است که آنتروپولوژیست‌ها می‌باید به جامعه‌شناسی بیشتر توجه کنند تا به نژادهای انسانی. زیرا میدان اصلی مطالعات جامعه‌شناسی، مطالعه زندگانی روزمره اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه است و تغییرات اساسی در اثر حوادث تاریخی، اجتماعی، در جامعه به وجود می‌آید.^(۲۲)

معمولاً برای مردم این سؤال مطرح می‌شود که اصولاً چه عواملی باعث تغییرات

* Mairs

**linton'

***Herzkovitz

**** Fortes

اجتماعی می‌شود میر* ادعا می‌کند که در جوامع پیشرفته، سیر تدریجی تکامل تکنولوژی، شکاف بین طبقات اجتماعی را کمتر می‌کند و مهارت انسان را در کنترل طبیعت و بهبود روابط اجتماعی افزایش می‌دهد و سازمانهای اجتماعی را توسعه می‌دهد. اما بر عکس در جوامع سنتی، معرفی ناگهانی تکنولوژی، شکاف بین طبقات اجتماعی را زیادتر می‌کند و تغییرات اجتماعی را در جامعه سرعت می‌بخشد. ارزش‌ها، سنت‌ها، رفتارها، باورها را تغییر می‌دهد و باعث پیدایش مشکلات اجتماعی می‌گردد. بدیهی است سیاست دولت در چگونگی حل مشکلات اجتماعی بسیار مهم خواهد بود.

نتیجه:

انقلاب اطلاعاتی و انقلاب حمل و نقل کشورها را کوچکتر می‌کند و روابط شهر و روستا را به صورت باورنکردنی افزایش می‌دهد. در اثر کاهش فاصله‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، جامعه شهری و روستایی یکپارچه می‌شود و وحدت اجتماعی و سیاسی در جامعه حاصل می‌گردد. تکنولوژی و نوآوریهای آن و خدمات از طرف شهرها به روستاها معرفی می‌شود و به موازات آن درآمد روستایی و شهری زیادتر می‌گردد و از مهاجرت روستاییان به شهرها کاسته می‌شود. شهر امنیت روستا را تأمین می‌کند و روستایی به تولیدات غذایی خود ادامه می‌دهد و در توسعه شهر و فرهنگ شهری نقش مهمی را ایفا می‌کند و اعتبار تجارتي شهرها افزایش می‌یابد. بنابراین زمانی می‌توان آینده روستاها را بهتر دید که در زمان حال روابط متقابل شهر و روستا را در ایران بهتر شناخت.

منابع و یادداشتها

- ۱- دکتر کاظم، ودیعی: مقدمه‌ای بر جغرافیای انسانی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۵، ص ۹۷
- ۲- دکتر محمد حسین، پاپلی یزدی: کوچ نشینی در شمال خراسان، ترجمه اصغر کریمی، انتشارات استان قدس رضوی، ۱۳۷۱، ص ۳۷۰.
- 3- pitt Revers , ed, op. cit. p.10
- 4- R.Redfield peasant society and culture. University of cgicago press. 1956
- ۵- دکتر بهنام، جمشید و دکتر راسخ، شاپور: جامعه‌شناسی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸، تهران ص ۶۴.
- ۶- حیران - د. یاس، بی. دبلو. ای. ویکراهانپاک: درس نامه برنامه ریزی توسعه روستایی، ترجمه ناصر فرید، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۶۸، تهران، ص ۶۰
- ۷- مهندس شیعه، اسماعیل: مقدمه و میانی برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۶۹، تهران، ص ۲
- ۸- دکتر شکویی، حسین: دیدگاه‌های نو در جغرافیا، جلد اول، انتشارات سمت ۱۳۷۳، تهران، ص ۲۸۷
- 9- H.Mainer. the Primitive city of timbuctoo. Princeton, Press. 1953.
- 10- R.Redfield. the little community. University of chicago press. 1955.
- 11- Lerner. the passing of traditional society. modernizing the middle east. p.361. 1958
- ۱۲- مکتب طرفدار تساوی انسانی در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی.
- 13- D. lerner. O.P cit. P. 361
- ۱۴- دکتر رضوانی، علی اصغر: روابط متقابل شهر و روستا با تاکید بر ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴، ص ۱۷۰
- 15- Grunebaum. the problem unity in diversity and variety in muslim civilization chicago. 1955
- 16- Levy.R.the social structure of Islam. Cambridge. 1959
- 17- Spoonre, B. the function of religion in persia society iran. 1963.

- 18 - Barth, F.Principale of social organization in southern Kurdistan. Universitetes. Etnoga fiske Bul No 7 osto.
- 19- Harden. L.J. Living standards in Rural ira.n PP- 140 -150. 1949.
- 20- Gibb, H.A.R and brown, H. Islamic Society and the west. oxford.1959
- 21- Wibe,r P.N. Iran Past and present . princeton.
- 22- W.B. fisher. Cambridge history of Iran valume one. P.723. at the University, press. 1968



پرتال جامع علوم انسانی

13-D. James. O.P. ct. P. 381

14- G. Leoy. R. the social structure of Islam. Cambridge. 1968

15- Grundbaum, the problem unity in diversity and variety in muslim civilization

16- ۷۰ - ۷۱

17- ۷۱ - ۷۲

18- ۷۲ - ۷۳

19- ۷۳ - ۷۴

20- ۷۴ - ۷۵

21- ۷۵ - ۷۶

22- ۷۶ - ۷۷